

تحلیل انتقادی

الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث

فرامرز میرزایی*

حسین ابویسانی**

چکیده

تألیف کتابی فراگیر درباره شعر امروز عرب کاری بس دشوار می‌نماید، زیرا گستره جغرافیایی، تاریخی و موضوعی آن امکان چنین آفرینشی را فراهم نمی‌آورد. از این رو هر کتابی که در این زمینه نوشته شده است فقط بخشی از نیاز فراگیران و خوانندگان را در سطوح گوناگون برآورده می‌کند. کتاب *الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث* نوشته «سلمی خضراء جیوسی» نیز با همین چالش روبه‌رو است. ارزیابی این کتاب نشان می‌دهد که نویسنده در ارائه موضوعات شعر معاصر عرب و تدوین کتاب از رویکردی تاریخی - نقدی و بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی بهره برده است. این امر کتاب مذکور را از ارائه موضوعی و منظم خارج می‌کند و تداخل‌های ناخواسته‌ای بر نویسنده تحمیل می‌کند. لذا این کتاب را باید در زمره آن دسته از نوشته‌های «دائرة المعارفی» به شمار آورد که تلاش نویسنده گردآوری حداکثر اطلاعات پیرامون یک موضوع و ارائه آن در سیر تاریخی‌اش است که همین امر این کتاب را به مرجعی برای پژوهش‌گران شعر معاصر تبدیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر عرب، جیوسی، *الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث*.

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا mirzaeifaramarz@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) ho.abavisani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۱

۱. مقدمه

نقد کتاب درسی هم دربرگیرنده نقد سخن است و هم دربرگیرنده نقد برنامه درسی حاکم بر آن. در برنامه ریزی درسی علاوه بر اهداف آموزشی اهداف تربیتی و نگرش فلسفی نیز مطمح نظر است (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۰، ۲۵)؛ لذا بی توجهی به مؤلفه های ویژه آن «موجب بی راهه رفتن نتایج نقد و در نهایت استنباط های نادرست خواهد شد» (میرحاجی، ۱۳۸۹: ۱۴۲)؛ زیرا دریافت فرایند حاکم بر آفرینش آن و تناسبش با فراگیران و برنامه درسی بسیار مهم می نماید. این امر درباره کتاب هایی که نقش «مرجعیت علمی» می یابند هم صادق است. تبیین روند حاکم بر کتاب و نیز دست یابی به اصول و مبانی نظری تدوین آن کمک شایانی به نقد و بررسی آن می کند.

اصولاً مدرسان در مراکز آموزشی زمانی را برای تربیت اختصاص نمی دهند (شریعتمداری، ۱۳۸۱: ۶۷) و به رسالت تربیتی دانشگاه بی توجهی می شود، اما باید تلاش کرد که شیوه آموزشی آثار تربیتی را با خود به همراه داشته باشد (همان). البته مهم ترین ویژگی های مفهوم تربیت «رشدیافتگی»، «فهم و تعقل» و «آشکار کردن استعدادها» است (همان: ۷۱) و اساسی ترین مفهوم آن، از دیدگاه ما، «هدایت فرد» به مفهوم کمک به وی در ابعاد عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، معنوی و جسمانی است (همان: ۷۳). از این رو شیوه آموزش باید تأثیر تربیتی هم داشته باشد تا فراگیران به مهارت های لازم در ابعاد ذکر شده برای حل مسائل دست یابند. بی تردید یکی از ارکان روش آموزشی «متن آموزشی» است که نقش بسزایی در ایجاد زمینه مناسب کسب این ابعاد تربیتی دارد.

۲. معرفی ظاهری اثر

کتاب *الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث* تألیف سلمی خضراء جیوسی است که عبدالواحد لؤلؤه آن را ترجمه و «مرکز دراسات الوحدة العربیة»، در بیروت، آن را بار نخستین بار به سال ۲۰۰۱ و بار دوم در سال ۲۰۰۷ چاپ کرده است. این کتاب با فهرس آن، هشت فصل، یک خاتمه و دو پیوست در کل ۹۱۵ صفحه دارد. جلد کتاب قرمز رنگ و در بالای آن نام و آرم مرکز انتشاراتی و در پایین آن نام نویسنده و مترجم با عنوان دکتر و در وسط هم، بین دو خط زرد، نام کتاب آمده است. پشت جلد هیچ نوشته ای ندارد. این کتاب با کاوری پوشیده شده است که از بالا به پایین سه رنگ سفید، زرد کم رنگ و قرمز

دارد و ضمن داشتن اطلاعات روی جلد کتاب پشت آن نیز مختصراً در چند سطر نویسنده و کتاب را معرفی کرده است. این شکل ظاهری در همه کتاب‌های این مرکز یکسان است. مطالب کتاب به ترتیب: «عنوان»، «شناسنامه»، «فهرست» (محتویات)، «شکر و عرفان» (تقدیر و تشکر)، «مقدمه»، مطالب اصلی کتاب در هشت فصل، «خاتمه»، پیوست‌ها (الملاحق)، «مراجع»، و «فهارس» است.

۱.۲ شناسه کتاب

شامل نام انتشارات، نویسنده، ایمیل و آدرس درگاه اینترنتی است. در این شناسه موضوع اصلی کتاب شعر عرب و تاریخ نقد بیان شده است.

۲.۲ فهرست (محتویات)

فهرست این کتاب در پنج صفحه (۵-۹) فقط عناوین اصلی را در بر دارد. عنوان‌های فرعی یا زیرعنوان‌های بسیاری در فهرست نیامده است.

۳.۲ سپاس (شکر و عرفان)

عنوان صفحه ۱۱ و ۱۲ کتاب «شکر و عرفان» است که نویسنده کتاب، خانم جیوسی، از افرادی که در تدوین و انتشار این کتاب او را یاری داده‌اند، هم‌چنین از مترجم کتاب، سپاس‌گزاری کرده است.

۴.۲ مقدمه

این بخش حدود ۱۳ صفحه (۱۳-۲۵) از کتاب را به خود اختصاص داده است.

۵.۲ فصل‌های هشت‌گانه

فصل اول کتاب با عنوان «الجدور الثقافیه للشعر العربی الحدیث» (ریشه‌های فرهنگی شعر امروز عرب) در ۴۱ صفحه (۲۹-۶۹) تنظیم شده است که ذیل آن دو عنوان دیگر «فرهنگ عربی در قرن هجدهم» و «نهضت ادب عربی در قرن نوزدهم» به چشم می‌خورد. در عنوان دوم نیز، «نهضت نثر»، مصر با ۴ و سوریه و لبنان حدود ۹ صفحه و «تحولات شعر عربی در

قرن نوزدهم)، عراق حدود ۹، سوریه و لبنان حدود ۲، فلسطین و اردن حدود ۲، مصر حدود ۱۰، و تونس حدود ۴ صفحه تنظیم شده است.

فصل دوم با عنوان «بواکیر التطور في القرن العشرين» (نخستین نشانه‌های تحول در قرن بیستم) در ۱۱۴ صفحه (۷۳-۱۸۶) تنظیم شده است که ۴ عنوان کوچک‌تر به ترتیب: «تقویت کلاسیسم نوین» با حدود ۱۳، «نفوذ رمانتیسم» با حدود ۱۴، «نخستین نشانه‌های توجه به اندیشه‌ها و قالب‌های جدید» با حدود ۳، و «شعر عرب در امریکای جنوبی و شمالی» با حدود ۸۶ صفحه در ذیل عنوان اصلی قرار گرفته است.

فصل سوم با عنوان «استمرار التطور الشعري في الوطن العربي» (ادامه تحولات شعری در سرزمین‌های عربی)، ۱۸۲ صفحه (۱۸۹-۳۷۰) از کتاب را به خود اختصاص داده است؛ مصر با حدود ۴۶ صفحه (۱۸۹-۲۳۴)، عراق با حدود ۳۸ صفحه (۲۳۴-۲۷۱)، سوریه با حدود ۲۸ صفحه (۲۷۱-۳۰۹)، لبنان با حدود ۳۲ صفحه (۳۰۹-۳۴۰)، و اردن و فلسطین با حدود ۳۱ صفحه (۳۴۰-۳۷۰).

فصل چهارم با عنوان «التيار الرومانسي في الشعر العربي الحديث» (رومانتیسم در شعر امروز عرب) در ۱۲۷ صفحه (۳۷۱-۴۹۸): مصر با ۳۰، تونس با ۱۹، لبنان با ۲۹، سودان با ۱۲ صفحه و دیگر تجربه‌های رومانتیک شامل سوریه با ۸ و فلسطین با ۳ و عراق با یک صفحه بررسی شده است.

فصل پنجم با عنوان «ظهور الاتجاه الرمزي في الشعر العربي الحديث» (ظهور رمزگرایی در شعر امروز عرب)، در ۴۸ صفحه (۴۹۹-۵۴۷) شامل معرفی ۵ شاعر رمزگرا از سه کشور لبنان با ۳۰، مصر با ۴ و سوریه با ۴ صفحه است. در ۱۰ صفحه اول هم تقریباً به شکل کامل به تاریخ رمزگرایی در لبنان پرداخته شده است.

فصل ششم با عنوان «عبود و مندور و اثرهما النقدي في الشعر» (تأثیر نقدی عبود و مندور بر شعر) که در ۱۸ صفحه (۵۴۹-۵۶۶) دیدگاه‌های عبود لبنانی در ۷ و مندور مصری در ۹ صفحه معرفی شده است.

فصل هفتم با عنوان «تغیرات جذریه بعد ۱۹۴۸» (دگرگونی‌های ریشه‌ای بعد ۱۹۴۸) در ۹۱ صفحه (۵۶۷-۶۵۸) شامل مباحثی پراکنده درباره شعر آزاد است: ابتدا سه مشکل «جدایی زود هنگام حساسیت شعری»، «برخورد نظری و کاربردی» و «میراث تجارب گذشته» را بررسی می‌کند، سپس موضوعاتی مانند آغاز شعر آزاد، گسترش مجال شعر آزاد، شعر متعهد، شعر منبری، تقلید و نوآوری و دو مجله پیش‌رو ادب و شعر را بررسی می‌کند.

فرامرزی میرزایی و حسین ابویسانی ۱۵۱

فصل هشتم با عنوان «انجازات الشعر الجديد حتى مطلع السبعينيات» در ۱۶۳ صفحه (۶۵۹-۸۲۲) شامل مباحثی درباره شکل شعر آزاد مانند: تکامل تجربه شعر آزاد، شعر سپید (شعر مثنوی)، لحن و موضوع شعری، زبان شعر، تصاویر شعری و شگردهای شعری (اسالیب المواربه) است.

۶.۲ خاتمه کتاب

خاتمه کتاب (۸۲۳-۸۲۷) در ۵ صفحه یافته‌های کتاب را بیان می‌کند.

۷.۲ پیوست‌ها (الملاحق)

در ۱۳ صفحه (۸۲۹-۸۴۱) دو موضوع نظریه مندور درباره نبر (مصوت بلند) و برخی تجربه‌های بزرگ در شعر کهن عربی مانند مخمس، دوبیتی و موشح را بررسی‌ای گذرایی کرده است.

۸.۲ کتاب‌نامه (المراجع)

مراجع و مآخذ این کتاب در ۵۴ صفحه (۸۴۳-۸۹۶) شامل کتاب‌های عربی در ۳۳ و مجلات عربی در ۱۳ صفحه و منابع غیر عربی در ۹ صفحه به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شده است.

۹.۲ فهرست نام اعلام و مصطلحات (فهارس)

این فهرست در ۱۹ صفحه (۸۹۷-۹۱۵) به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است.

۳. تحلیل ابعاد شکلی یا تحلیل کمی کتاب

ساخت یا ساختار به معنی چهارچوب متشکل پیدا و ناپیدای هر اثر، عبارت از نظامی است که همه اجزای اثر و همه اعضای آن در پیوند با یکدیگر و در کاربرد هماهنگ، کلیت اثر را می‌سازد. این کارکرد هدف مشخصی دارد که بدون تعامل و هماهنگی اجزا امکان‌پذیر نیست (رضایی و محمودی، ۱۳۸۹: ۴۷).

مفهوم ساختار فراتر از ابعاد شکلی اثر است، اما دربرگیرنده آن نیز می‌باشد. کتاب *الاتجاهات والحركات* نیز دارای ابعاد شکلی ویژه خود است که تحلیل آن ارزش کمی این اثر را نشان خواهد داد.

نکته مهم در شناسه کتاب این است که معرفی‌کنندگان نیز رویکرد حاکم بر این کتاب را رویکردی تاریخی و نقدی دانسته‌اند. بررسی فهرست کتاب (المحتویات) نشان می‌دهد که به دقت تنظیم نشده است و عنوان‌ها و زیرعنوان‌هایی در متن کتاب وجود دارد که در فهرست مطالب نیامده است، مانند: ندیم محمد (ص ۴۸۸)، عمر النص (ص ۴۹۰) و مطلق عبد الخالق (ص ۴۹۴) در زیرعنوان «تجارب رومانسیه آخری» (ص ۴۸۸). یا در فصل هشتم که فهرست مطالب ۱۷ عنوان و زیرعنوان دارد، اما در همین فصل عناوینی مانند «الشعر الحر فی التطبيق» (ص ۶۶۴)، با ۱۴ صفحه، یا عنوان «الشعر الحر: خصائص عامه» (ص ۶۷۸) با ۶ صفحه و دو زیرعنوان دیگر «التدویر» (ص ۶۷۸) و «القافیه فی الشعر الحر» (ص ۶۸۰)، یا زیرعنوان «قصیده الحر و الشعر الحر» (ص ۶۹۰) وجود دارد که در فهرست نیامده است. یعنی در همین فصل ۵ عنوان با حجم درخور توجهی وجود دارد که در فهرست مطالب نیامده است.

فصول کتاب به شکل تاریخی تنظیم شده است، اما در بعد شکلی نبود هماهنگی در کمیت و حجم فصول و تعداد صفحات آن‌ها به چشم می‌خورد. برای مثال در حالی که فصل نخست فقط ۴۲ صفحه دارد، فصل دوم ۱۲۷ صفحه را به خود اختصاص می‌دهد و فصل ششم نه از لحاظ حجم (۱۸ صفحه) و نه محتوا تناسبی با عنوان کتاب و مطالب دیگر فصول ندارد. به‌ویژه این‌که نویسنده می‌توانست دیدگاه خود را درباره نبر که به شکل پیوستی مجزا (ص ۸۲۹) آورده است در همین فصل بیاورد.

حجم بسیار زیادی از کتاب به شاعران لبنانی، به‌ویژه مسیحی، اختصاص دارد. این امر در فصل پنجم شگفت‌انگیز است. مقدمه این فصل تقریباً درباره لبنان است (ص ۵۰۱-۵۰۹). از ۵ شاعر بررسی شده سه شاعر لبنانی یک شاعر سوری و یکی مصری و حجم شاعران لبنانی ۳۰ صفحه و دو شاعر دیگر ۸ صفحه است.

کتاب‌نامه (مراجع) این کتاب با ۵۴ صفحه حجم درخور توجهی دارد و نشان می‌دهد نویسنده در بررسی موضوع تلاش بسیار گسترده‌ای داشته و این منابع با دسته‌بندی خوبی هم ارائه شده است و قابل استفاده برای پژوهش‌گران ادب معاصر است. مراجع و منابع به‌کاررفته در پانوشته هر صفحه آورده شده و نویسنده در صورت نیاز شرح و توضیحی

مکفی به آن‌ها افزوده است. بخش فهارس این کتاب هم تا حدود زیادی نقیصه فهرست را جبران می‌کند. هم اعلام و هم مصطلحات ادبی و نقدی را بر اساس حروف الفبا آورده و به شکل دقیقی هم تنظیم شده است.

علائم نگارشی، نوع و اندازه قلم، پانوش‌ها، ذکر مراجع و منابع در هر صفحه، و مواردی از این قبیل، از دیگر نکات مورد توجه در تحلیل ابعاد شکلی هر اثری است. به نظر می‌رسد قلم به‌کاررفته برای نگارش این اثر به‌خوبی انتخاب شده است؛ چراکه از یک سو زیباست و از دیگر سو خواننده را به هنگام مطالعه دچار مشکل نمی‌کند و چشم وی را نمی‌آزارد. هم‌چنین اندازه قلم به‌کارگرفته‌شده در پانوش یک یا چند سایز کوچک‌تر از اندازه قلم متن اصلی انتخاب شده است. در ظاهر این اثر علائم نگارشی رعایت شده و مطالب آن بر اساس استانداردهای موجود به رشته تحریر درآمده است. شماره‌های پانوش‌های هر صفحه نیز به صورت مسلسل از ابتدای هر فصل تا انتهای آن پیگیری شده است. هم‌چنین عناوین اصلی با قلم درشت انتخاب شده و عنوان‌های ذیل آن به‌ترتیب مراتب ریزتر شده، به علاوه در جایی که ضرورت اقتضا نموده واژگان درشت‌تر تحریر شده است.

دومین نکته، تعداد نسبتاً زیاد سطرهای هر صفحه است. با وجود آن‌که برای نوشتن این کتاب از قلمی مناسب استفاده شده، اما سطرهای هر صفحه بیش از اندازه معمول به نظر می‌رسد. صفحاتی که پانوش ندارند دارای ۳۰ سطر، و صفحات همراه با پانوش، گاه ۳۷ سطر را در خود جای می‌دهند.

دیگر آن‌که برخی فصل‌های کتاب با «مقدمه» آغاز می‌شود و برخی دیگر بدون مقدمه. به علاوه، شکل مقدمات نیز متفاوت است. به عبارت دیگر گاه بدون آن‌که واژه «مقدمه» یا معادل آن آورده شود، مطالب به رشته تحریر درمی‌آید که گاه چند سطر و گاه نیز چند صفحه را به خود اختصاص می‌دهد، در وقتی دیگر نیز از واژه «تمهید» برای شروع مطالب مقدماتی استفاده شده است.

۴. تحلیل ابعاد محتوایی اثر یا تحلیل کیفی کتاب

این کتاب تحولاتی را که شعر معاصر عرب از اواخر قرن هجدهم تا سال ۱۹۷۰ تجربه کرده است پیگیری می‌کند، و به طور مشخص روی دهه ۱۹۵۰ میلادی، که بزرگ‌ترین تجربه‌های فنی تاریخ شعر عرب را در خود دارد، تمرکز می‌کند. بنابراین، این کتاب می‌تواند

منبعی نسبتاً جامع برای رصد کردن جنبش‌ها و رویکردهای شعر معاصر عرب باشد. به نظر می‌آید به منظور بررسی بهتر ابعاد محتوای این کتاب لازم است چالش‌های پیش روی چنین آثاری بررسی و با نمونه‌های مشابه مقایسه شود.

۱.۴ چالش‌های بررسی شعر معاصر عرب

شعر معاصر عرب ویژگی‌هایی دارد که پژوهش‌گر را در برابر چند چالش قرار می‌دهد:

- گستره گسترده جغرافیایی که شامل ۲۱ کشور عربی است و اکثر کشورهای حادثه‌خیز خاورمیانه و شمال آفریقا مانند مصر، لبنان، سوریه، عراق، فلسطین، اردن، سودان، تونس، الجزائر، مراکش و کشورهای حوزه خلیج فارس را در بر می‌گیرد. بررسی شعر در این گستره جغرافیایی که همراه با تحولات سیاسی، اجتماعی و فکری بسیاری بوده است، تلاش بس طاقت‌فرسایی را می‌طلبد.

- گستره گسترده زمانی که از سال ۱۷۹۸، یعنی پایان قرن هجدهم تا پایان قرن بیستم، را در بر می‌گیرد. گستره زمانی که نسبت به دیگر گستره‌های زمانی تاریخ ادبیات عربی، هم دگرگونی‌های بیش‌تری دارد و هم ژرف‌تر است و تحلیل آن‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. گستره‌ای که در نیمه نخست قرن نوزدهم تقلیدی از گذشته است و در نیمه دوم آن شرایط تغییر می‌کند و برخی قواعد و مناسبات به هم می‌ریزد، اما در اواخر قرن تا اندازه‌ای با روح رمانتیسم غربی همراه می‌گردد و از ادبیات فرانسه تأثیر می‌پذیرد. هم‌چنین با ورود به نیمه نخست قرن بیستم نسل جدیدی سر بر می‌آورد که به طور عمیق از ادبیات انگلستان و دیگر کشورهای غربی تأثیر می‌پذیرد (یافی، ۱۳۹۱: ۴-۷).

- گستره گسترده انواع ادبی که نسبت به دیگر گستره‌های تاریخ ادبی، گوناگونی فراوانی دارد که به دو دسته شعر سنتی و آزاد تقسیم می‌شود و هر کدام دارای انواعی است. هم‌چنین مکاتب ادبی، گروه‌ها و جریان‌های شعری که بررسی هر کدام پژوهش شعری را درازدامن می‌نماید (← موسی، ۱۹۹۳).

- کمبود منابع امروزی که در دنیای عرب دسترسی به آن‌ها بسیار سخت است، زیرا اکثر این منابع به شکل روزنامه یا مجله و یا کتاب‌هایی هستند که تازه منتشر شده‌اند و در مراکز علمی به‌سادگی در دسترس نیستند. نزدیکی زمان وقوع حوادث به پژوهش‌گر سبب شده تا به‌سادگی این منابع قابل دسترسی نباشد (همان).

- گستردگی، شدت و سرعت دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و تأثیرپذیری متقابل ادب از آن‌ها در این دو قرن اخیر، به‌ویژه در دهه‌های گذشته، درهم‌تنیدگی فراوانی بین آن‌ها ایجاد کرده است به گونه‌ای که بدون بررسی آن‌ها شعر معاصر عرب به‌خوبی قابل درک نیست (کلیب، ۱۹۹۳).

- وابستگی شدید ادب معاصر عرب به ادب غرب که می‌توان آن را تابعی از تغییرات رخ داده در غرب دانست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۹). به‌ناچار پژوهش‌گر بایستی برای فهمیدن و فهماندن شعر معاصر عرب دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی غرب را هم مد نظر قرار دهد تا علت بروز وقایع ادبی را شرح داده باشد.

این مسائل و مانند آن، تحلیل و بررسی شعر معاصر را بسیار مشکل کرده است. از این رو شاید نتوان کتابی جامع در این زمینه تألیف یا تدوین کرد و یا کتاب تدوین‌شده‌ای را قانع‌کننده دانست، با وجود این به نظر می‌آید که کتاب *الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث* کتابی نسبتاً قابل قبول است که توانسته حجم بسیار گسترده‌ای از اطلاعات مربوط به شعر معاصر را در خود گردآوری کند، لذا بررسی آن با توجه به نکات یادشده آسان نمی‌نماید.

۲.۴ کتاب‌های مشابه درباره شعر معاصر عرب

کتاب‌های بسیاری درباره شعر معاصر عرب نوشته شده است که اکثر آن‌ها گزیده‌های شعری از شاعران معاصر عرب است که زندگی و شیوه شعری آنان را تحلیل کرده‌اند و برخی از آن‌ها اهتمام بسیار زیادی به شاعران نوگرا داده و برخی اهتمام بیش‌تری به شاعران محافظه‌کار داده است. اما دو کتاب *مختارات من الشعر العربی الحدیث* از مصطفی بدوی و *اتجاهات الشعر العربی المعاصر* از احسان عباس بیش‌ترین نزدیکی را به کتاب *الاتجاهات والحركات* جیوسی دارند که مقایسه این دو کتاب با کتاب کنونی مزایا و معایب کتاب کنونی را بیش‌تر نمایان می‌کند.

کتاب *گزیده شعر عربی معاصر (مختارات من الشعر العربی الحدیث)* مقدمه‌ای مفصل و سودمند درباره تجزیه و تحلیل شعر عربی معاصر نوشته است (بدوی، ۱۳۶۹: ۱۷-۴۹). سپس ۴۵ شاعر معاصر عرب را بر حسب دسته‌بندی مکاتب ادبی بررسی کرده است: کلاسیک (۸ شاعر)، پیش‌روان رمانتیسیم (۵ شاعر)، رمانتیک‌ها (۷ شاعر)، شاعران مهاجر عرب در امریکای شمالی (۴ شاعر)، شاعران مهاجر عرب در امریکای جنوبی (۴ شاعر)،

نوگرایان و نوپردازان پیرو رمانتیسم (۶ شاعر)، نوگرایان و نوپردازان شیوه رمزآمیز (۳ شاعر)، نوگرایان و نوپردازان پیرو واقع‌گرایی (۵ شاعر) و نوگرایان نوپرداز شعر منشور (یک شاعر). نمونه شعرهایی را که از هر شاعر آورده با اصول مکتب ادبی ذکر شده تحلیل نکرده است؛ با وجود این، دسته‌بندی موضوعی شاعران به شکل بسیار خوبی ارائه شده است.

مقدمه کتاب تحلیلی تاریخی از شعر معاصر عرب و جریان‌ها و گروه‌های ادبی دارد، اما این جریان‌های ادبی مانند ملی‌گرایی و شعر فلسفی و گروه‌های شعری مانند گروه دیوان، آپولو و پنجشنبه شعری بررسی نمی‌شود. در حقیقت تمامی شاعران برجسته دو جریان عمده شعری تقلیدی و آزاد را در بر دارد و دسته‌بندی موضوعی شاعران و شعرشان این امکان را به نویسنده داده تا مطالب را بسیار منسجم ارائه نماید.

کتاب *اتجاهات الشعر العربي المعاصر* نوشته احسان عباس نزدیک‌ترین کتاب به کتاب جیوسی است با این تفاوت که نگرش احسان عباس به شعر معاصر دور از نگرش جغرافیایی و تاریخی است؛ زیرا اعتقاد دارد که روش تحلیل تاریخی بر اساس گرایش‌ها، شعر را به مدارکی سیاسی - اجتماعی تبدیل می‌کند و روح هنری آن را نادیده می‌انگارد (عباس، ۱۹۷۸: ۶) و زمانی که شعر به مدرکی تاریخی تبدیل می‌شود، بد و خویش یکسان می‌شود. اگر چه خواننده مهم‌ترین مراحل زندگی شاعر و شعرش را به راحتی درمی‌یابد، اما مشکل آن‌جاست که تحول هنر شعری را پنهان می‌نماید و گروهی از شعرا در یک مجموعه قرار می‌گیرند، در حالی که تفاوت‌های هنری بسیاری با هم دارند (همان). البته احسان عباس شعر و شاعران را از سال ۱۹۷۰ به بعد بررسی می‌کند، زیرا معتقد است که قبل از آن به شکل گسترده‌ای بررسی شده است. وی اساس بررسی خود را بر درک عمق روحی و فکری شعر معاصر قرار می‌دهد. یعنی نوع نگرش هنری شعر مد نظر وی است تا دسته‌بندی‌های همیشگی و خارج از چهارچوب هنر شعری (همان: ۶). از این رو ضمن بررسی علل نوگرایی و چگونگی آغاز آن، در چند فصل مجزا به نگرش شعری شاعران نوگرا به زمان، شهر، میراث گذشته، عشق و جامعه می‌پردازد و برای هر کدام نمونه‌های مناسبی می‌آورد و تحلیل می‌کند و در پایان ۹ نمونه از قصایدی را که در بررسی گرایش‌های شعری به آن‌ها توجه کرده است، برای اطلاعات بیشتر، با عنوان پیوست می‌آورد.

نگرش تحلیل حاکم بر این کتاب مانع آن شده است که نویسنده حجم مطلوبی از اطلاعات جانبی و مفید را درباره شعر نو در اختیار خواننده قرار دهد.

در مقایسه این دو کتاب با کتاب *الاتجاهات والحركات* خضراء جیوسی می‌توان نتیجه گرفت که نگرش حاکم بر تدوین کتاب *الاتجاهات والحركات* نگرشی تاریخی - نقدی با توجه به مناطق جغرافیایی و با هدف گردآوری حجم بسیاری از اطلاعات مرتبط با هر موضوع است که به آن شکل نوشتاری دائرةالمعارفی داده است؛ یعنی حجم گسترده‌ای از اطلاعات در کنار هم قرار می‌گیرد تا موضوعی را به شکلی قابل قبول ارائه کند. از این رو این کتاب مرجعیت علمی نیرومندتری از دیگر کتاب‌های مشابه دارد.

۳.۴ تحلیل محتوای کتاب

شکل و مضمون از مؤلفه‌های آثار ادبی است، بنابراین پسندیده نیست که در نقد چنین آثاری، جانب یکی را نگه داشت و دیگری را به حال خود رها کرد؛ زیرا شکل فقط معیار فنی متون ادبی است که آن‌ها را وارد قلمرو ادبیات می‌کند، در حالی که مضمون، هویت و آبخور اندیشه آن‌ها را آشکار می‌سازد و این همان چیزی است که جاودانگی، عظمت و اهمیت چنین متونی را در پی خواهد داشت (قصاب، ۲۰۰۷: ۴۸). بنابراین با عنایت به حجم نسبتاً زیاد کتاب *الاتجاهات والحركات* و با توجه به مطالب و اطلاعات فراوان در آن، بررسی محتوایی این اثر در کنار تحلیل شکلی آن روش مندر و عالمانه‌تر خواهد بود. مقدمه *الاتجاهات والحركات*، هدف از نگارش کتاب، دگرگونی‌های شعر عرب و عوامل تأثیرگذار بر اوضاع سیاسی، فرهنگی و ادبی سرزمین‌های عرب را به صورت گذرا بیان می‌کند. هم‌چنین شیوه‌های نگارش کتاب، تأثیر تحولات فرانسه بر شعر عربی، مشکلات و موانع بر سر راه مورخ ادب معاصر، و نیز سختی‌های تقسیم‌بندی کتاب به دوره‌های گوناگون را از نظر می‌گذراند.

فصل اول پیرامون ریشه‌های فرهنگی شعر امروز عرب است که ابتدا به فرهنگ اسلامی حاکم بر عراق و مصر و فرهنگ اسلامی - مسیحی حاکم بر سوریه و نیز به فعالیت ادبی جرمانوس فرحات، ادیب و شاعر مسیحی، در قرن هجدهم می‌پردازد. در ادامه نیز جنبش ادبی عرب را در قرن نوزدهم بررسی می‌نماید. ابتدا نهضت نثر را در مصر، با تکیه بر رفاه رافع الطهطاوی، و در سوریه و لبنان، با تکیه بر سه جریان به پیش‌گامی ناصیف الیازجی، عبدالرحمن الکوکی، و سید جمال‌الدین بررسی می‌کند. در ادامه، تحولات شعر عربی را در قرن نوزدهم در ۷ کشور عربی، به ترتیب: در عراق با تکیه بر شاعرانی مانند عبد الغفار الأخرس و عبد الغنی الجمیل، در سوریه و لبنان مانند بشر الشهابی و خلیل الخوری، در

فلسطين و اردن بدون ذکر نام شاعر خاصی، در مصر مانند صفوت الساعاتی، عبدالله فکری، و اسماعیل صبری بررسی می‌کند و بالاخره تلاش‌های مدرسهٔ صادقیه و جماعت خلدونیه در تونس مطرح می‌شود.

فصل دوم با سخنی دربارهٔ نومحافظه‌کاری عرب (کلاسیسم جدید) آغاز می‌شود و آن را گفتاری پیرامون احمد شوقی و حافظ ابراهیم و نقش آن‌ها در این جریان ادبی پی می‌گیرد. نفوذ رمانتیسم مطلبی است که در ادامه از آن سخن به میان می‌آید و نویسنده با تمرکز حول محور خلیل مطران و نیز جایگاه ادبی و تأثیرگذاری وی در جریان یادشده، نظر دیگران دربارهٔ میزان این تأثیر را یادآوری می‌کند. او از جایگاه ادبی افرادی مانند نجیب حداد، روحی خالدی و سلیمان بستانی نیز غافل نمی‌شود. بخش پایانی این فصل به سخن پیرامون شعر عرب در امریکای جنوبی و شمالی اختصاص می‌یابد که در آن ۴ تن از شاعران عرب امریکای جنوبی یعنی فوزی، شفیق معلوف، الیاس فرحات، و رشید سلیم خوری، و نیز ۵ تن از شاعران عرب امریکای شمالی با نام‌های امین ریحانی، جبران خلیل جبران، میخیل نعیمه، ایلیا ابو ماضی، و نسب عریضه تصویرگری می‌شوند. *الرابطه القلمیه و مجله‌های الفنون و السائح* نیز از جمله مطالب مطرح در این بخش به شمار می‌آیند.

فصل سوم کتاب، که حجم درخور توجهی را به خود اختصاص داده، استمرار تحولات شعری در سرزمین‌های عربی با تکیه بر ۷ کشور عربی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. ابتدا جایگاه ادبی مصر در سه دههٔ نخست قرن بیستم مورد توجه واقع می‌شود و به دنبال آن، منفلوطی و رمانتیسم وی وارد بحث می‌گردد و نقاط ضعف و قوتش بررسی می‌شود. فعالیت‌های فرهنگی در دهه‌های دوم و سوم قرن بیستم با سخن پیرامون مطالبی از جمله نقش رمان زینب، «مصری کردن آثار ادبی»، و «تأسیس احزاب سیاسی» و نیز نقش آن‌ها در جنبش‌های ملی مصر، ادامهٔ بحث را به خود اختصاص می‌دهد. هم‌چنین از جایگاه طه حسین و تلاش‌های ناقدانهٔ وی و نیز القای شک او پیرامون شعر قدیم غفلت نمی‌گردد. این بخش با سخنی دربارهٔ جماعت دیوان و موضع‌گیری بزرگان آن در مقابل احمد شوقی و حافظ ابراهیم به پایان می‌رسد. عراق به عنوان دومین کشور در دو قسمت اصلی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ نخست رویکرد محافظه‌کاران به رهبری عبدالمحسن کاظمی و محمدرضا شبیبی با اشاره به رهایی نسبی آنان از آرایه‌های ادبی و محسنات بدیعی، سپس رویکرد تغییر در موضع‌گیری شعری به رهبری زهاوی، رصافی، نجفی و جواهری. در این قسمت ضمن اشاره به ساده شدن زبان شعر سیاسی و اجتماعی و نگارش آن به زبان

معاصر، تلاش‌های شاعران یادشده در این مسیر نیز به بحث گذاشته می‌شود. در بخش مربوط به سوریه نیز همین رویه ادامه می‌یابد. در قسمت محافظه‌کاران، مدرسه محمد کرد علی، جایگاه ادبی او و تأثیر فراوان وی بر ادبای نسل اول دمشق، و نیز جایگاه محمد سلیمان الأحمد معروف به بدوی جبل، نقش ادبی او در دهه دوم قرن بیستم، با اشاره ویژگی شعری وی یعنی قرار گرفتن بین قدمت و اصالت مورد بحث قرار می‌گیرد. در قسمت تغییر در موضع‌گیری شعری نیز از عمر ابو ریشه، مشهورترین شاعر دهه چهارم سوریه و لبنان، و أنور العطار شاعر جامع میان رئالیسم و رمانتیسم، و قدیم و جدید سخن به میان می‌آید. به هنگام سخن از لبنان نیز، شکیب ارسلان به عنوان پیشاهنگ محافظه‌کاران، و الأخطل الصغیر و أمين نخله به عنوان پیشوای تغییر موضع‌گیری شعری، به بحث گذاشته می‌شوند. در قسمت پایانی یعنی اردن و فلسطین نیز از مصطفی وهبی التل به عنوان یکی از عوامل اصلی تغییر رویکرد شعری در کشور نخست، و از ابراهیم طوقان به مثابه عامل تغییر در کشور دوم سخن به میان می‌آید. در این قسمت، بخشی هم به دیگر تجارب شعری اختصاص یافته که در آن عبدالرحیم محمود، شاعر شهید که در اسلوب طنز نقدی خود شهره بوده، و نیز عبدالکریم کرمی معروف به ابوسلمی که در دهه سوم قرن بیستم به همان شیوه نگارش عبدالرحیم راه پیموده است مورد کنکاش قرار می‌گیرند.

فصل چهارم این کتاب جریان رمانتیسم شعر معاصر عرب را بررسی می‌کند. از نظر جغرافیایی شاعران گروه آپولو (ابوشادی، همشری، ناجی، طه) از مصر، شابی از تونس، ابوشبکه از لبنان و تیجانی از سودان را به شکلی گسترده بررسی می‌نماید و در بخش پنجم با عنوان دیگر تجربه‌های رمانتیکی، شاعرانی مانند ندیم محمد و عمر النص از سوریه و مطلق عبدالخالق از فلسطین را معرفی می‌کند و نگاهی گذرا به جریان رمانتیکی شعر عراق، بدون بررسی حتی یک شاعر از آن کشور، دارد. در مجموع ۱۰ شاعر را با بیان دیدگاه ناقدان عرب پیرامون رمانتیسم شعری بررسی می‌نماید و آن را، به جز نمونه جبرانی، بی‌بینه می‌شمارد (جیوسی، ۲۰۰۱: ۳۷۳). نگاه تاریخی نویسنده در چهارچوب جغرافیایی تنظیم شده است، اما وی هیچ‌گونه اشاره‌ای به تجربه رمانتیک شعری در الجزائر ندارد در صورتی که شاعران در جریان انقلاب الجزائر نمونه شعرهای متفاوتی ارائه کرده‌اند (قادری، ۱۳۸۹: ۱۴۹-۱۶۰).

بررسی تاریخی - جغرافیایی در فصل پنجم نیز حاکم است. ضمن بررسی تاریخی اسباب ظهور رمزگرایی در شعر معاصر عرب که تقریباً به سیر تاریخی آن در لبنان

اختصاص دارد، شاعرانی مانند یوسف غضوب، ادیب مظهر و سعید عقل از لبنان و بشر فارس از مصر و اورخان میسر را از سوریه بررسی می‌کند، با این تفاوت که تجربه سورنالیستی میسر را هم رمزگرایانه می‌شمارد. در این فصل هیچ‌گونه تحلیل شعری ارائه نمی‌شود و موضوعات رمزی به‌خوبی تحلیل نمی‌شود، گویا نویسنده آن را به فصل هشتم در دستاوردهای شعر آزاد محول کرده است.

در فصل ششم تأثیر آرای نقدی عبود و مندور را بر شعر معاصر عرب بررسی می‌کند. در این فصل به رغم عنوان، فقط به دیدگاه این دو ناقد درباره شعر می‌پردازد و نمونه شعری یا شاعری یا جریان شعری که با تأثیرپذیری از دیدگاه نقدی این دو شکل گرفته باشد نیآورده است، بلکه بیش‌تر به جدلهای نقدی که این دو درباره ماهیت شعر و ارتباط آن با مسائل اجتماعی با دیگر ناقدان داشته‌اند پرداخته است.

در فصل هفتم به شعر آزاد می‌پردازد و عوامل آن را بررسی می‌کند. موضوعات این فصل شامل: آغاز شعر آزاد (تجارب شعر آزاد قبل از ۱۹۴۸، جنبش شعر آزاد، انتقال مرکز شعر به عراق)، گسترش زمینه شعر آزاد، شعر متعهد، شعر منبری، تقلید و نوآوری و دو مجله پیش‌رو ادب و شعر است. عناوین این فصل نشان می‌دهد که نویسنده فقط به بررسی تاریخی شعر آزاد می‌پردازد و نگرش نقدی ناقدان و شاعران را درباره ماهیت آن بیان می‌کند، یعنی فقط به مسائلی اهمیت می‌دهد که ناقدان پیرامون شعر آزاد مطرح کرده‌اند، نه موضوعاتی که شعر آزاد به آن‌ها پرداخته باشد، مانند آنچه احسان عباس درباره گرایش‌های شعر آزاد می‌آورد. طرح شعر متعهد و شعر منبری و ویژگی‌های آن هم دقیقاً از دیدگاه ناقدان است نه اصل جریان شعری و تحلیل نمونه‌های آن.

فصل هشتم به بررسی دستاوردهای شعر نو تا آغاز دهه ۱۹۷۰ می‌پردازد. این فصل نگرشی نقدی به این دستاوردها دارد. نخست از جنبه شکلی (ص ۶۶۲) به تکامل تجربه شعر آزاد می‌پردازد و دستاوردهای شکلی، به‌ویژه موسیقایی آن، و ویژگی‌های عمومی شعر آزاد مانند تدویر (ص ۶۷۸) و قافیه (ص ۶۸۰) را بررسی می‌کند. هم‌چنین با طرح مبانی نظری شعر سپید (قصیده نثری) (ص ۶۸۵)، از دیدگاه عرب‌ها و غربی‌ها، شعر سپید و آزاد را مقایسه می‌کند و نگاه ناقدان را درباره وزن و موسیقایی شعر سپید می‌آورد. در بخش دوم که با عنوان لهجه و موضع‌گیری و موضوع شعری شعر آزاد است (ص ۷۰۳) در حقیقت به تحلیل محتوایی شعر نو می‌پردازد و موضوعاتی مانند دوره نگرانی (ص ۷۰۴) و انعکاس این نگرانی و پریشانی در شعر آزاد را مطرح می‌کند و نمونه‌هایی هم می‌آورد. سپس سخنی

درباره موضوع شعر پیش‌رو دارد (ص ۷۲۲) که ملاحظاتی کوتاه درباره ویژگی‌های عمومی موضوعات شعری شعر آزاد است. در سومین بخش این فصل به دستاوردهای زبانی می‌پردازد (ص ۷۲۵) که آن را شورشی علیه شعر قدیم می‌نامد (همان) و در بخش چهارم به تصویر شعری می‌پردازد (ص ۷۴۳) و نوآوری‌های تصویر شعری با عنوان تصاویر پهن و دراز (ص ۷۴۶) و استعاره (ص ۷۴۷) و نوآوری‌های آن در شعر معاصر را بیان می‌کند و نمونه‌های مناسبی هم از شاعران نوگرا می‌آورد. در بخش پنجم به شگردهای شعری (اسالیب المواریه) مانند رمز (ص ۷۸۱)، تضمین و اشاره (ص ۷۸۴)، میراث گذشته (ص ۷۹۱) و اسطوره نمونه برتر (ص ۷۹۴) می‌پردازد و در هر موضوع نمونه‌های مناسبی می‌آورد.

نگرش حاکم بر این فصل، بر خلاف دیگر فصل‌ها، «نقدی - تحلیلی» است و می‌توان گفت تنها فصلی است که نویسنده نمونه‌های شعری فراوانی برای تحلیل و اثبات مدعای خود می‌آورد و صرفاً به بیان آرا و نظرهای ناقدان بسنده نمی‌کند.

در پایان در بحثی با عنوان خاتمه از مجموع کتاب نتیجه‌گیری‌هایی کرده که خلاصه بسیار فشرده هشت فصل کتاب است و پیش‌بینی می‌کند که شیوه بیان شعری در شعر عرب در سالیان آینده دگرگونی‌های زیادی خواهد داشت و در آن شادی و خوشی جایی نخواهد داشت و شعر آن دلیرانه‌تر شود و موضوعات سیاسی و اجتماعی را با تصاویر جدیدی نشان خواهد داد (ص ۸۲۶)؛ از این رو به نقدی نیاز دارند که آنان را به‌خوبی راهنمایی کند. در دو پیوست، نخست شرح نظریه مندور را درباره «نبر» یا «مصوت شعری بلند» بررسی می‌کند که می‌توانست آن را در فصل ششم بیاورد. هم‌چنین در پیوست دوم تجارب بزرگ شعری گذشته را، که نشانه نوآوری در وزن و قافیه است، مانند: مخمس (ص ۸۳۳)، دویستی (ص ۸۳۴) و موشح (ص ۸۳۴) می‌آورد.

۴.۴ اخلاق علمی

اخلاق در نگارش علمی به مجموعه‌ای از قواعد و قراردادهایی گفته می‌شود که «انتظار می‌رود افراد درگیر با آن خود را ملزم به رعایت آن‌ها بدانند» (حری، ۱۳۹۰: ۳) و وجه غالب در آن‌ها پای‌بندی به مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که سبب پیروی یا سرپیچی از آن‌ها می‌شود و مهم‌ترین اصل آن این است که نوشته علمی حاصل پژوهش‌های نویسنده اثر یا متکی بر تتبعات دیگران باشد (همان: ۷). در این زمینه می‌توان موارد زیر را بیان کرد.

۱.۴.۴ استناد

امروزه استناد رکن اساسی نگارش علمی است و هیچ کس نمی‌تواند بی‌نیاز از دانش تولیدشده پشتیبان دانشی جدید بیافریند (همان: ۲۵). از این رو بدیهی است که از اندیشه و آثار دیگران در نوشته علمی استفاده شود و اخلاق علمی حکم می‌نماید که منبع این استفاده به گونه درست مشخص شود که توهم سرقت علمی پیش نیاید. یعنی امانت‌داری علمی را رعایت نماید.

از سراسر کتاب *الاتجاهات والحركات* به روشنی می‌توان فهمید که این کتاب حاصل پژوهش نویسنده اثر و متکی بر تتبعات دیگران است که در تمامی موارد امانت‌داری علمی را رعایت کرده است. وی می‌کوشد که تصویری از اطلاعات موجود درباره هر موضوعی ارائه دهد، درست مانند نوشته‌های دائرةالمعارفی که ویژگی آن‌ها ارائه مطالب درباره یک موضوع مبتنی بر اسناد، مدارک و منابع بسیار است (همان: ۱۴). پانوشته‌ها، ارجاعات و فهرست منابع حجم زیادی از این کتاب را به خود اختصاص داده و آن را به منبعی درخور برای پژوهش‌گران شعر معاصر عرب تبدیل کرده است. می‌توان ادعا کرد که این کتاب اعتماد علمی مناسبی را ایجاد می‌کند.

۲.۴.۴ بی‌طرفی علمی

نمی‌توان نویسنده کتاب *الاتجاهات والحركات* را بی‌طرف دانست، اگرچه این بی‌طرفی در استنتاج‌های علمی وی رعایت شده باشد. سوگیری نویسنده به شعرای لبنان و مسیحی کاملاً روشن است. همان‌گونه که در نقد کمی کتاب اشاره شده است حجم بیش از حد کتاب به شعرای لبنانی و مسیحی اختصاص دارد.

سوگیری دیگر نویسنده در بررسی شاعران بی‌توجهی به جریان اسلام‌گرای شعری است که دیگر پژوهش‌گران به آن توجه کرده‌اند. این امر در حوزه بررسی تعهد در شعر معاصر درخور توجه است. نویسنده در فصل هفتم موضوع شعر متعهد را (ص ۶۱۷) بررسی کرده است، اما به جریان اسلامی و تأثیر فرهنگ اسلامی در ایجاد این تعهد شعری اشاره‌ای نکرده است در حالی دیگر ناقدان، جریان اسلامی را یکی از جریان‌های مهم تأثیرگذار تعهد ادبی شمرده‌اند (المنصوری، ۲۰۰۰: ۱۲۰) و آن را فراگیرتر از گرایش ملی و میهنی دانسته‌اند (أبو حاقه، ۱۹۷۹: ۱۴۷). این امر مناسب با اخلاق علمی در نوشته علمی نیست.

۵.۴ مزایای کتاب

۱.۵.۴ گردآوری اطلاعات گسترده

این امر ناشی از ویژگی دائرةالمعارفی کتاب و رویکرد تاریخی نویسنده آن به شعر معاصر عرب است. اطلاعات تاریخی مفید و روش‌مندی از تحول شعر معاصر عرب درباره آن‌ها موضوعات شعری و شاعران معاصر عرب ارائه می‌دهد و منابع ارزش‌مندی درباره آن‌ها در اختیار خواننده می‌گذارد. اطلاعاتی که دست‌یابی به بسیاری از آن‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست.

۲.۵.۴ تحلیل تاریخی موضوعات

تحلیل تاریخی موضوعات بیان‌گر سیر تاریخی و ریشه‌های هر پدیده است. نویسنده در این کتاب می‌کوشد مطالب را از کل به جزء تقسیم و آن‌ها را به مخاطب تفهیم کند. برای نمونه در فصل نخست برای آن‌که ریشه‌های فرهنگی ادبیات را در برخی از کشورهای عربی به تصویر بکشد، ابتدا زمینه فهم مطلب اصلی را فراهم می‌آورد و آن را به طور کلی در قرن هجدهم و نوزدهم بررسی می‌کند. سپس مباحث حوزه کشورهایمانند مصر، سوریه و لبنان را آغاز می‌نماید. جیوسی می‌کوشد ترتیب زمانی را در بیان مطالب رعایت کند و سرزمین‌ها و شخصیت‌های اولویت‌دار در ادبیات را برجسته‌تر کند و سخن را حول محور ایشان بچرخاند و تا حد امکان نیز به طور کافی و وافی آن‌ها را شرح و بسط نماید.

وی در روندی نرم و تدریجی شکل‌گیری مکاتب ادبی و شعرای منتسب به آن‌ها را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که گاه بسیاری از شعرا حلقه واسط دو مکتب ادبی به شمار می‌آیند و آثارشان صبغه دو مکتبی را که تجربه کرده‌اند در خود دارد. به عبارتی دیگر آن‌ها به طور کامل به هیچ یک از آن دو مکتب وابستگی ندارند، که این امر از ویژگی‌ها و امتیازهای این اثر به شمار می‌رود.

۳.۵.۴ نگرش نقدی به موضوعات شعری

نویسنده، علاوه بر نقل مطالب از منابع معتبر، خود نیز در تحلیل و نقد آن‌ها مشارکت کرده است و آن‌ها را مسلماتی از پیش پذیرفته شده نمی‌پندارد. بنابراین محتوای این اثر ترکیبی است از تاریخ ادبیات و نقد. اگرچه موضوع گرایش‌های شعر است و لازمه این امر تحلیل و بررسی متون شعری است، اما نگرش نقدی به مسائل شعری لازمه درک صحیح آن است.

نویسنده در اکثر فصول موضوع را با نگرش نقدی مطرح می‌کند و آرای ناقدان را درباره هر موضوعی به شکل گسترده‌ای می‌آورد. این اثر در میان کتاب‌های مطرح در این زمینه شمولیت نسبی دارد و اگر چه مواردی را نادیده گرفته است اما در کل شعر معاصر عرب را به شکل تقریباً قابل قبولی تا ۱۹۷۰ بررسی کرده است.

۴.۵.۴ اعتمادسازی گسترده

نویسنده با بهره‌گیری از منابع فراوان و ذکر مطالب حاشیه‌ای مرتبط در پانوشته‌ها، به شکل شگفت‌انگیزی، خواننده را مجاب می‌کند که مطالب کتابش ارزشمند است و می‌کوشد تا با استنادهای پی در پی سخن خود را علمی و دانشگاهی ارائه کند. معرفی این حجم گسترده از منابع برای پژوهش‌های شعری بسیار سودمند است. شاید نتوان در جایی از کتاب شاهد اظهار نظری از سر تعصب و یا نگاهی غیر علمی از سوی نویسنده بود و این اصلی است که در پژوهش‌های علمی و ادبی انکارناپذیر است. از همین رو در جایگاه‌های مختلف، مؤلف نظر علمی خود را بیان می‌کند و قضاوت‌های بعدی را بر عهده خواننده می‌گذارد. می‌توان گفت که این امر کتاب *الاتجاهات والحركات* را به مرجعی علمی برای پژوهش‌های شعر معاصر تبدیل کرده است.

۶.۴ معایب کتاب

۱.۶.۴ فقدان تحلیل شعری و ناهماهنگی میان عنوان و محتوای کتاب

عنوان کتاب تداعی‌کننده آن است که محتوای کتاب هم تئوری باشد و هم تطبیقی. در حالی که وجه غالب مطالب توجه به تاریخ ادبیات و صبغه تئوریک آن است. هرچند گاه نمونه‌های شعری نیز شاهد مثال آورده می‌شود، اما تحلیلی عمیق از آن‌ها صورت نمی‌گیرد و تحولات رخ داده در شعر معاصر عربی از لابه‌لای آن‌ها مورد کنکاش قرار نمی‌گیرد.

نگرش و رویکرد تاریخی و جغرافیایی به پدیده‌ای شعری باعث شده است که نویسنده حجم گسترده‌ای از اطلاعات تاریخی، جغرافیایی و نقدی ارائه دهد، اما کم‌تر تطبیق نماید. اگر فصل هشتم کتاب را نادیده بگیریم تقریباً این کتاب کم‌تر نمونه شعرهای هر موضوع یا گرایش ادبی را تحلیل کرده است. این امر در فصل ششم و فصل هفتم به خوبی آشکار است. نویسنده هیچ نمونه شعری از شعر آزاد را که بیان‌گر این تحولات عمیق باشد نیاورده است و فقط مواردی را درباره تغییر وزن و قافیه می‌آورد که عزالدین اسماعیل آن را در

کتاب *الشعر العربی المعاصر فضایه وظواهره الفنیه* قبلاً بررسی کرده است. این کتاب تمام موضوعات شعر آزاد را از دیدگاه تاریخی و ناقدان بررسی می‌کند، یا موضوع تعهد ادبی را کاملاً نقدی مطرح می‌کند، اما هیچ نمونه‌ای از شعر متعهد نمی‌آورد. بنابراین خواننده پس از پایان مطالعه آن قادر نخواهد بود با در نظر گرفتن اصول و معیارهایی مشخص، شعر دوره‌های گوناگون را از هم تشخیص دهد و یا قصیده‌ای را نقد و تحلیل کند و یا این‌که تأثیر دوره‌های مختلف شعری و مکتب‌های ادبی در آن‌ها را از هم متمایز نماید.

۲.۶.۴ نبود انسجام نظری در طرح موضوعی مباحث

نگرش تاریخی به موضوعات باعث شده است که مبانی نظری تقسیم‌بندی و دسته‌بندی شاعران در هم آمیزد، مثلاً در شعر عراق، جمیل صدقی زهاوی، رصافی، صافی نجفی و جواهری (ص ۲۴۴-۲۶۳) را جزو گروه شاعرانی آورده که حساسیت شعری‌شان نسبت به محافظه‌کارانی مانند کاظمی و شبیبی تغییر می‌کند و در همان حال در بررسی شعر سوریه، بدوی جبل را جزو محافظه‌کاران قرار داده است که از لحاظ تحول شعر از شعرای دگرگون‌شده عراقی تحول شعری بیش‌تری دارد. در فصل هفتم موضوعات مطرح‌شده درباره شعر آزاد انسجام و تناسب نظری ندارد، بلکه موضوعاتی‌اند که کنار هم چیده شده‌اند. به عبارت دیگر، موضوعاتی‌اند که ناقدان به آن‌ها اهتمام بیش‌تری داشته‌اند نه موضوعاتی که شعر آزاد ذاتاً آن‌ها را مطرح می‌نماید.

۳.۶.۴ نادیده انگاشتن برخی جریان‌های ادبی و کشورهای عربی

برخی گرایش‌های شعری که در شعر معاصر مورد توجه پژوهش‌گران ادب معاصر عربی می‌باشد در این کتاب جداگانه و شایسته بررسی نشده است.

۱.۳.۴.۶ گرایش اسلامی در شعر معاصر عرب

گرایش اسلامی در شعر معاصر عرب یکی از عوامل مهم بیداری ادبی به شمار می‌رود که تقریباً نادیده انگاشته شده است. جیوسی خود اذعان دارد که تلاش‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده تأثیر شگرفی بر اندیشه اسلامی عربی و جنبش آزادسازی ادب داشته است (ص ۴۵). با وجود این، گرایش مذهبی را در شعر معاصر عرب بررسی نکرده است و فقط در فصل نخست کتاب پیرامون ریشه‌های فرهنگی شعر امروز عرب اشاره‌ای گذرا به فرهنگ اسلامی حاکم در عراق، مصر و سوریه در قرن هجدهم دارد (جیوسی، ۲۰۰۱: ۲۹)، اما شاعران اسلام‌گرا و موضوعات دینی در تحلیل بررسی شعری

وی جایگاهی ندارد. این کاستی آشکاری است برای کتابی که درباره شعر شاعران کشورهای پڑو هوش کرده است که فرهنگ حاکم بر آنها اسلامی است. وی حتی در بحث «میراث مردمی» در فصل هشتم (ص ۷۹۱) اشاره‌ای به میراث اسلامی ندارد و در بحث تضمین و اشاره (ص ۷۸۵)، که از آن در نقد ادبی امروزه با نام «بینامتنی» یاد می‌کنند، با آن‌که اشاره‌های توراتی یوسف الخال را ذکر می‌کند (ص ۷۸۹)، اما هیچ اشاره‌ای به تضمین آگاهانه و ناآگاهانه مفاهیم اسلامی ندارد.

۲.۳.۶.۴ جریان شعر مقاومت فلسطین

اگرچه نویسنده نام بسیاری از شاعران فلسطین را آورده و بررسی کرده است و بیش از ۱۶ بار به فاجعه فلسطین (نکبه) اشاره کرده و آن را یکی از عوامل رویکرد تراژیک شاعران به ویرانی سرزمین عربی می‌داند (ص ۷۹۸)، اما شایسته بود که شعر مقاومت، ویژگی‌ها و تأثیر آن را در شعر معاصر عرب جداگانه بررسی می‌کرد، زیرا تمام شاعران بانفوذ دوره بعد از اشغال فلسطین (۱۹۴۸)، تحولی را از سرکشی آمیخته با غربت و دلتنگی فلسفی، به تمردی انقلابی و مثبت تجربه کردند (اسماعیل، ۱۹۹۸: ۳۹۶-۴۰۰) و «شاید نتوان شاعری را در کشورهای عربی یافت که شعر بگوید و موضوع بخشی از شعرهایش را فلسطین تشکیل ندهد» (کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰).

۳.۳.۶.۴ گروه پنجشنبه شعری

یکی از گروه‌های شعری که نقش درخوری در تحول شعر از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد داشت گروهی بود به نام «پنجشنبه شعری» که نویسنده در فصل هفتم در بررسی مجله شعر، به عنوان یکی از دو مجله پیش‌رو، به شکلی گذرا به آن اشاره کرده است و در فصل هشتم در عنوان «اسطوره نمونه برتر» (۷۹۴-۸۲۲) تمامی نمونه‌های ذکر شده مربوط به شاعران این گروه است. با وجود این شایسته بود که نویسنده این گروه را مانند گروه‌های شعری دیوان، آپولو و مهجر جداگانه بررسی می‌کرد؛ زیرا شاعران این گروه نقشی اساسی در تعمیق رمزگرایی و پیچیدگی شعر آزاد در کشورهای عربی داشتند.

۴.۳.۶.۴ بی‌توجهی یا کم‌توجهی به شعر کشورهای منطقه مغرب عربی و حوزه خلیج فارس

این بی‌توجهی به کشورهایمانند الجزائر، لیبی، موریتانی، عربستان، امارات، کویت، بحرین، قطر و یمن، توجهی قابل قبول ندارد. تقریباً از کشورهای این منطقه، به جز تونس، نام نبرده است. برخی از این کشورها تجربه شعری منحصر به فردی دارند مانند الجزائر

(← قادری، ۱۳۸۹). با توجه به این که نویسنده کتاب *الاتجاهات والحركات* تقسیم‌بندی جغرافیایی کشورهای عربی را مد نظر داشته است، شایسته بود که با عنوانی مجزا تجربه شعری این مناطق جغرافیایی را بررسی می‌کرد و ویژگی‌های شعری آنان را نشان می‌داد.

۴.۶.۴ نبود طرحی موضوعی درباره شعر معاصر

این امر باعث شده است که نویسنده موضوعات متفرقه بسیاری را مطرح کند و رویه یکسانی در طرح مطالب در هر فصل حاکم نباشد. مثلاً در فصل هشتم دستاوردهای شعر آزاد رویکردی تحلیلی - تفسیری به طرح موضوعات دارد و نمونه‌های بسیاری می‌آورد، اما در فصل‌های ششم و هفتم این رویکرد صرفاً تاریخی - نقدی است. گاهی مطالب صرفاً تاریخی و گاهی بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی ارائه می‌شود. لذا ارائه مطالب در هر فصلی متمایز است.

در اکثر موارد پیرامون شخصیت‌های شعری، که در این کتاب آورده است، اطالۀ کلام دارد. لذا با عنایت به این که این اثر در پی بیان تحولات و رویکردهای شعر معاصر عربی است، انتظار می‌رود شرح و بسط در چنین حوزه‌ای خودنمایی کند نه در مورد افراد و بیوگرافی آن‌ها.

در برخی فصل‌ها گاه مطالبی ارائه شده است که ارتباط چندانی با شعر معاصر عرب ندارد، مانند مطالب مندرج در صفحات ۳۴ تا ۴۶ که به نثر اختصاص یافته و ارتباطی با شعر ندارد و یا مطالبی که درباره تأثیر نقدی عبود و مندور در فصل ششم آورده است ارتباط محکمی با شعر و دستاوردهای آن ندارد و می‌توان آن را حذف کرد.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی انتقادی کتاب *الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث* نشان می‌دهد که این کتاب: ۱. با توجه به اعتمادسازی و گردآوری گسترده مطالب پیرامون موضوع شعر معاصر عرب، این کتاب به منبعی ارزشمند و مرجعی برای شعر معاصر عرب تبدیل شده است و در مقایسه با دیگر کتاب‌های مشابه در این زمینه توانایی بیشتری در پاسخ به نیازهای اطلاعاتی پژوهش‌گران دارد.

۲. در بررسی موضوع شعری رویکردی تاریخی و نقدی دارد و مطالب را اکثراً بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی ارائه می‌کند.

۳. به جز یکی دو فصل سایر فصول کتاب خالی از تحلیل شعری است. در حقیقت کم‌تر به گرایش‌های ذاتی شعر توجه می‌کند و بیش‌تر مطالب ناقدان و نگرش آنان به شعر معاصر عرب را مطرح می‌کند، لذا خالی از طرح موضوعاتی است که در شعر معاصر عرب مطرح شده است.

۴. با توجه به یافته قبلی به نظر می‌آید که این کتاب توانایی لازم را برای کسب مهارت تحلیل شعری، که یکی از اهداف مهم تربیتی آموزش می‌باشد، به خوانندگان یا فراگیران نمی‌دهد، اگرچه اطلاعات زمینه‌ای بسیاری درباره شعر معاصر در اختیار وی قرار می‌دهد.

۵. این کتاب سوگیری آشکاری به شاعران کشورهای خاصی مانند لبنان و شاعران مسیحی دارد و کم‌تر به جریان‌ها و موضوعات دینی و ارزش‌های اسلامی پرداخته است.

۶. پیشنهادات

۱. با توجه به مطالب مطرح‌شده، هم‌چنین حجم بسیار زیاد این کتاب و مسائل حاشیه‌ای فراوان آن، به نظر می‌آید که نمی‌توان آن را به عنوان منبع اصلی درس تاریخ ادبیات معاصر رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های ایران در دوره کارشناسی معرفی کرد و بهتر است این امر در سرفصل درسی تاریخ ادبیات معاصر رشته زبان و ادبیات عربی (ص ۵۶) اصلاح شود.

۲. این کتاب به‌تنهایی منبعی برای تدریس شعر معاصر عرب در دوره‌های تحصیلات تکمیلی قرار نگیرد، بلکه کتاب‌های مشابه هم مد نظر باشد. کتاب *الاتجاهات والحركات* جیوسی در حوزه شعر معاصر عرب مرجع علمی بسیار درخوری برای پژوهش‌گران است، اما کاستی‌های آن، که بیش‌تر جنبه مهارتی و تربیتی دارد (در متن مقاله آمده است)، آن را تبدیل به کتابی می‌کند که جامع ویژگی‌های لازم کتابی آموزشی نباشد. با وجود این نمی‌توان در تدریس شعر معاصر عرب از آن بی‌نیاز بود.

منابع

- ابراهیمی، علی (۱۳۷۷). *برنامه‌ریزی درسی* (راهبردهای نوین)، تهران: فکر نو.
- ابوحاقة، احمد (۱۹۷۹). *الاتزام في الشعر العربي*، بیروت: دار العلم للملایین.
- اسماعیل، عزالدین (۱۹۹۸). *الشعر العربي المعاصر، قضاياها و ظواهره الفنية والمعنوية*، بیروت: دار العودة.

فرامرز میرزایی و حسین ابویسانی ۱۶۹

- بدوی، مصطفی (۱۳۶۹). *گزیده‌ای از شعر عربی معاصر*، ترجمه غلامحسین یوسفی و یوسف بکار، تهران: اسپرک.
- الجبوسی، سلمی الخضراء (۲۰۰۱). *الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث*، ترجمه عبدالواحد لؤلؤه، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربيه.
- رضایی، غلامعباس و ابوبکر محمودی (۱۳۸۹). «بررسی تطور ساختاری دو قصیده جاهلی و اسلامی از حسان بن ثابت با نظر به مکتب ساختارگرایی»، پژوهش‌نامه نقد ادبی، ش ۱، دانشگاه شهید بهشتی. شریعتمداری، علی (۱۳۸۱). *چگونگی ارتقای سطح علمی کشور*، تهران: فراشناختی اندیشه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *شعر معاصر عرب*، تهران: سخن.
- عباس، احسان (۱۹۷۸). *اتجاهات الشعر العربي المعاصر*، کویت: المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب.
- قادری، فاطمه (۱۳۸۹). *سیری در تحول ادبیات معاصر الجزائر*، یزد: دانشگاه یزد.
- قصاب، ولید (۲۰۰۷). *مناهج النقد الأدبی الحديث؛ رؤیه اسلامیة*، دمشق: دارالفکر.
- کلیب، سعدالدین (۱۹۹۳). «الادب العربي الحديث في الجامعات السورية»، *الموقف الأدبی*، ش ۲۶۴، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- المنصوری، جابر (۲۰۰۰). *النقد الأدبی الحديث*، عمان: دار عمان.
- الموسی، سلیم (۱۹۹۳). «اشکالات تدريس الادب العربي المعاصر في جامعه»، *الموقف الأدبی*، ش ۲۶۴، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- میرحاجی، حمیدرضا (۱۳۸۹). «بررسی و نقد کتاب‌های عربی مقطع دبیرستان»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش ۱۵.
- الیافی، نعیم (۱۳۹۱). *شعر معاصر عرب؛ سوریه و لبنان*، ترجمه حسین ابویسانی، تهران: میثاق فرزندگان.

